



خسر و امیر حسینی

یاد گرفته ایم فقط طلب کنیم

ذهنی» وارد حیات اجتماعی و زندگی دسته جمعی شده است.

بشر در آستانه تکوین عقل یعنی در آستانه «ایجاد قدرت استنتاج از برخورد پدیده‌های طبیعت برای آینده» به منظور انتقال مفاهیم ذهنی خود هیچ وسیله خارجی در اختیار نداشت و طبعاً اختراع یک عامل مادی و خارجی که جنبه قراردادی داشته باشد برای انعکاس مقاصد ذهنی ضرورت داشت و بدون آن زندگی دسته جمعی میسر و عملی نبود، زیرا اولاً قرن‌های بی‌شمار از دوران انتقال مفاهیم با ایما و اشاره و به مدد صداهای عجیب و غریب که برای انسان‌های نخستین جنبه مکالمه داشت، سپری شده و آغاز مرحله‌ای آسان‌تر و لطیف‌تر با توجه به اصول پیشگفته منطق با مقتضیات جبر زمان و متکی بر ضرورت حیات انسانی بود. ثانیاً بشر در دهلیز مدنیت ابتدایی و تشکیل جامعه قرار داشت و در چنین شرایطی برای رفع حاجات متعدد و متنوع ناشی از زندگی عقلی و اجتماعی ضرورت اختراع این عامل محسوس بود؛ در حالیکه تا قبل از درک ضرورت حیات اجتماعی ضرورت «وسیله مادی و خارجی انتقال مفاهیم» قابل درک نبود. تلاش فکری بشر کم کم موجب شد که این امر از قوه به فعل گراید و به قول اسپینوزا این «تصور» به سبب طول مدت «تمرکز در ضمیر» به صورت اختراع خط مبدل به «عمل» شود.

ولی چطور و به چه ترتیب این کار بزرگ صورت گرفت؟ و چه مسیری را طی کرد تا به صورت «کتابت» در عصر تاریخ درآمد؟ و در مسیر طولانی خود که طبعاً از دشواری و نازیبایی به سوی آسانی و زیبایی راه داشته، چه مراحل را پشت سر نهاده است؟

پیدایش خط

محققان درباره پیدایش خط دو نظر ابراز می‌کنند: دسته‌ای معتقدند که ریشه این اختراع در بازرگانی و دادوستد است و عقیده دارند رموز و علائم روی سفال و سنگ و تکه‌های گل که در نواحی مصر و اسپانیا و خاور نزدیک به دست آمده، نماینده روابط تجاری چند هزار ساله میان کشورهای حوزه مدیترانه است و شباهت‌های زیادی که این‌ها را با هم دارند دلیل وجود این رابطه بازرگانی و مبین وجود مفاهیم مشترک بین این اقوام است. و حتی این عامل داد و ستد کالا و معرفی مشخصات اجناس مورد معامله را اساس و پایه ایجاد حروف هجایی می‌دانند و معتقدند آنچه از این رموز و علائم کم کم اشتراک یافته، پایه تشکیل حروف هجا شده و به تدریج شکل خط به خود گرفته و خط نویسی را به وجود آورده است و آنچه به لحاظ درک و استنباط

از اول به هیچ وجه هدف تحقیق نبوده است. مثلاً انسان قصد تنظیم قواعد کشتیرانی به منظور تسهیل عبور و مرور و حمل کالا را داشت و برای جهت‌یابی به آسمان نگاه کرد و کم کم به رصد ستارگان پرداخت.

قصد اندازه‌گیری و مساحت مزارع را داشت تا صعوبت و دشواری اندازه‌گیری به واحد ظرف را به عدد ارقام و اعداد آسان کند و به این شکل با هندسه آشنا شد. به عشق تحصیل طلا برای تسهیل امر مبادله به ذوب فلزات و (کیمیایگری) پرداخت و با علم شیمی آشنایی یافت.

برای تسلط بر قوای قاهره طبیعت مانند رعد و برق و زلزله و طوفان و سیلاب‌های سهمگین و سایر پدیده‌های خشن طبیعی که برای او غیرقابل تبلیل بود، به شعبده بازی پرداخت و به فیزیک پی برد.

از خیال‌بافی و اندیشه‌های خام و خشن و افکار نامعقول و مالیخولیایی به فکر منطقی و به تدریج به فلسفه رسید و بالاخره اگر دقت نشود معلوم می‌شود که در همه زمینه‌های حیات بشر این مسیر طولانی طی شده است. در مقام تکمیل این توضیحات که برای ترسیم مسیر مورد بحث در صفحه ذهن خوانندگان ضروری به نظر می‌رسد باید به این نکته بسیار مهم که هدف اساسی این نوشته است توجه داشت که تمام این تحولات و کشفیات پس از درک ضرورت زندگی همگانی و شروع حیات اجتماعی بشر و در روزگاری که انسان‌ها می‌توانستند مفاهیم ذهنی خود را به ذهن همدیگر منتقل و منعکس کنند و از مقاصد و هدف‌های هم آگاه شوند، صورت گرفت و بنابراین طبیعی است که قبل از شروع این تحولات و کشفیات عاملی به نام «عامل انتقال مقاصد و مفاهیم» در حد کمال نسبی وجود داشته که خود این عامل نیز طبعاً در مسیر مذکور بوده و به تدریج از مرحله زبری و ناهم‌واری به مرحله نرمی و هم‌واری گرایش یافته و آنچه منظور اصلی ماست، بحث در چگونگی پیدایش و تحقیق در خط سیر تکاملی همین عامل است.

گفته شد که عناصر و عوامل سازنده حیات جسمانی و نفسانی بشر یعنی آنچه که اسپینوزا «ذوات متفکرو ذی امتداد» نامیده، از مبدا واحد که منشأ نخستین حیات است در مسیری که مرتباً از سختی و ناهماهنگی به سوی نرمی و هماهنگی راه دارد، شروع به حرکت کرده و انسان در این رهگذر طولانی مراحل مهم «تولد احساس از برخورد» و «تولد غریزه از احساس» را طی کرده و در آغاز دوران «تکوین عقل» به اختراع «اسم عام» توفیق یافته و سپس با کشف یک عامل بسیار مهم و پیونددهنده افراد بشر به نام «عامل انتقال مفاهیم

زندگی بشر مجموعه مرکبی است از عوامل و عناصری که هر یک به زبان حال مسیری را که از خشونت و صلابت به سوی رفت و لطافت راه دارد، تشریح و بیان می‌کند.

انسان در زمینه زراعت از وسایل خشن کشاورزی و استفاده از خیش (که نوع آهنی آن لطیف‌تر و ظریف‌تر و در نتیجه کامل‌تر و پیشرفته‌تر از نوع سنگی بود) شروع کرد و پس از اختراع چرخ با مشقت کمتر به کار ظریف‌تر پرداخت و سپس از طریق اختراع ماشین شخم‌زنی، این تقلیل خشونت به مرحله کامل‌تر رسید و با اختراع بیل مکانیکی و دستگاه‌های الکتریکی و بهره‌برداری از این وسایل در کشاورزی و استفاده از هلی‌کوپتر در بذریاشی به دوران خشونت و دشواری کشت و زرع خاتمه داد و باید منتظر مراحل پیشرفته‌تری نیز بود.

در زمینه بازرگانی از حمل پرمشقت کالا به وسیله چهارپایان و طی مناطق پرخطر و صعب‌العبور به حمل کالا با کمک انومبیل و راه آهن و هواپیما و حواله تاگرافی و مطالعه نوسانات بورس معاملات در چشم‌الکتریکی رسید.

در ضبط مطالب به صورت مکتوب از نوشتن بر سنگ و الواح گلی به نوشتن روی پوسته و برگ درخت و پوست گوساله و چوب موم‌اندود و چرم و کاغذ کتان به تحریر و کتابت روی کاغذ لطیف و ظریف امروزی رسید. در زمینه طبابت از داغ کردن و انجام اعمال شاقه و دردناک به بی‌دردی در حین جراحی و بیهوشی موضعی و ماساژ الکتریکی دست یافت.

در زمینه عبادت و پرستش خداوند از قربانی کردن و تکه پاره کردن بدن آدمیزاد برای جلب عنایت معبود و فریادهای نفرت‌انگیز و رعشه آور توام با جست و خیزهای خشن و هولناک رقص مذهبی، به اذان موزون و مناجات لطیف و روحانی خواجه عبدالله انصاری و تلحین گورگویان و رباعیات ابوسعید ابی‌الخیر که لطف و گیرایی آن تار و پود قلب هر انسان صاحب احساس را می‌لرزاند و به حرکات موقر و توام با طمانینه رکوع و سجود در مسجد و کلیسا رسید. اینها افسانه نیست، بلکه یک سلسله واقعیات است که عناصر اصلی حیات بشر را تشکیل می‌دهد و جا دارد هر یک جداگانه مورد بحث و تحلیل قرار گیرد و درباره هر کدام کتب متعدد و مبتنی بر تحقیقات دقیق (مردم‌شناسی) نوشته شود تا مسیر بسیار طولانی طی شده به وسیله بشر از مبدا سختی و ناهم‌واری به سوی مقصد نرمی و هم‌واری روشن‌تر شود. بیشتر کشفیات بشر در همین رهگذر و به طور ناخودآگاه دنبال شده و به نتیجه رسیده - نتیجه‌ای که



میان اقوام مختلف جنبه مشترک نداشته و منحصر به ناحیه خاصی بوده کم کم از بین رفته است.

دسته دیگر عقیده دارند که ریشه خط نویسی در «درک ضرورت تجسم افکار و معتقدات به صورت اشکال» نهفته است. این دسته معتقدند که پیش از هزاره چهارم قبل از میلاد در عیلام و سومر و مصر و در آستانه هزاره سوم پیش از میلاد در کرت مجموعه‌ای از تصاویر به عنوان نماینده افکار موجود بوده که به تدریج با ابراز سلیقه و ظریف کردن اشکال و خلاصه کردن جوانب و تبدیل زوایای ناهموار به همواری و انحنای زیباسازی ظواهر آنها خط هیروگلیف اختراع شده و پس از آن کم کم هر مقطع و هجایی نماینده اولین صوت آن هجا و علامت خاص برای یکی از حروف گردیده و عقیده دارند که این امر به وسیله کاهنان و پیشوایان مذهبی صورت گرفته و معنی کلمه «هیروگلیف» را که به زبان یونانی «نوشته مقدس» است، موید این نظر می‌دانند.

در اینجا توجه به دو نکته مهم حائز کمال اهمیت است: اول اینکه هر شخص کنجکاو با دقت در این دو نظر که از دو رهگذر «مادی و بازرگانی» و «معنوی و دینی» در ذهن دانشمندان و در متون کتب معتبر رخنه کرده است، به قدمت شگرف و حیرت‌انگیز ثنویت و نقش مهم آن در تاریخ حیات و تمدن بشر پی می‌برد. این اصل هنوز هم به قوت و اعتبار خود باقی است. نهایتاً به تبعیت از سنت خلقت و با رعایت اصول مطروحه به تدریج از خشونت به لطافت گراییده بدون اینکه تأثیر خود را در عقول و افکار بشر از دست داده باشد که نمونه بارز آن تحت عناوین «ماتریالیسم فلسفی» و «ایده‌الیزم» هنوز مطرح است؛ در حالی که معلوم نیست قدمت آن به چند هزار سال می‌رسد و ریشه آن در کجاست.

دوم اینکه با مطالعه و دقت در اختراع و نحوه پیشرفت و تکامل خط نویسی می‌توان دریافت که:

هر چه عقل به لطافت گراید مولد عقل نیز به موازات آن به لطافتی گرایند، زیرا می‌بینیم که ضروری‌ترین و فوری‌ترین مولود عقل که اختراع است، تحت تأثیر این اصل کلی رفته رفته از اعوجاج و ناهمواری به انتظام و همواری گراییده و به پیدایش خط منجر شده است و این اصل اعم از اینکه نظریه «ایجاد خط از طریق مبادلات بازرگانی» و یا نظریه دیگر «ایجاد خط از طریق درک ضرورت تجسم افکار به صورت اشکال» مورد تأیید و تصدیق قرار گیرد، صحیح و صادق است. به هر حال نخستین عامل و علت پیدایش خط هر چه باشد، تردیدی نیست که پیدایش و تکامل تدریجی آن خلاق مدنیت بوده و بشر پس از آشنایی به «سخن گفتن»، اثری بزرگ‌تر از خط نویسی از خود به جای نگذاشته است.

شاید درک اهمیت این عامل بزرگ انتقال مفاهیم که در عین حال از آغاز عصر تاریخ وسیله کاملی برای شناختن میراث گذشتگان در زمینه دانش بشری نیز هست، بر انسانی که در نیمه دوم قرن بیستم زندگی می‌کند دشوار باشد و شاید بشر امروزی نتواند تصور کند که این اختراع در آن روزگار به مراتب مهم‌تر از اختراع ماشین (مغز الکترونیکی) در عصر ما بوده است.

تا قبل از روزگار «خط نویسی» حافظه بشر وظیفه بسیار مهمی به عهده داشت و انسان ناچار بود همه مدرکات را در حافظه ذخیره کند و در مواقع ضرورت از این ذخایر مدد بگیرد.

وجود آمده و در «بایگانی راكد خاطره» انباشته شده بود، به هیچوجه کافی نیست؛ در حالی که می‌دانیم در خط بعضی از ملت‌های کهنسال از جمله ملت چین علامات نماینده معانی نیز هستند.

توضیح در این زمینه که بشر چگونه توانست با تکامل تدریجی خط نویسی و ممارست مستمر در قرینه‌سازی به مرحله ترسیم و انتقال مفاهیم مجرد برسد، بحث را بسیار گسترده و وسیع و در عین حال تاحدی از مسیر اصلی منحرف می‌کند، ولی چون اشاره مختصری ضرورت دارد یادآوری می‌شود که: تمرکز اثرات عناصر مادی و خارجی در ضمیر انسانی و تمرین ذهنی مکرر و استنتاج مستمر از کیفیت اثرات بدون تردید یکی از عوامل موثر پیدایش و رشد مفاهیم و معانی مجرد بوده و در حقیقت مجردات ذهنی تحت تأثیر مشابه رویدادهای یکسان خارجی تکامل می‌یابند و شکل می‌گیرند و پس از درک در خاطر ضبط می‌شوند. به عبارت کوتاه می‌توان گفت: مفاهیم مجرد معلول بقا و جذب اثرات به دنبال فنا و دفع موثرات است.

به هر حال سیر قهری بشر در مسیر مورد نظر طبعاً در شکل حروف نیز اثر می‌گذاشت و به همین دلیل خط تصویری نیز مانند همه عوامل سازنده حیات فردی و اجتماعی بشر به تدریج در مسیر نرمی و لطافت پیش رفت و حروف و کلمات کم کم ظریف‌تر و زیباتر شدند. آنانکه ره به مقصود داشته‌اند، رنج سفر تحمل کرده‌اند از میان کویر و جنگل، کوه و دریا، بدون حاجب و دربان ره پیموده‌اند و از پادویی به اوستاکاری رسیده‌اند. داشتن را از نداشتن با تلاش و کار آفریده‌اند و به قول بوذرجمهر سحرخیز تر بوده‌اند. این روزها از هر کوی و برزن بانگ طلب می‌شنویم بدون هیچ داده‌ای. جمهوری اسلامی نوپاست، اولین است، در راه است، «جان من است او همی مزیندش»، فصل کشت این نهال است. داشت، برداشت در پی می‌آورد. این نهال امید محرومان جهان است، آغوش مهر گشاییم تا از باد و باران و سرما و گرما به دور نگاهش بداریم. نهالی که هزاران سال پرورش یافته تا امروز به دست ما رسیده است. استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی باور ماست، حرمت گذاریم و باور بداریم صبر کنیم به قوام نشینند، سهیل زند رنگ بگیرد. آوایی از بلندای دماوند تا دل محرومان جهان در سراسر گیتی جمهوری اسلامی ایران را پیامرسان باشیم. کاری که از مدیران برجسته ما ساخته است. نمونه بارز آن دکتر رسول گنجی دانش آموخته دانشگاه امیرکبیر در سال ۱۳۵۴ که تولید، کارآفرینی و اشتغالزایی را از میادین پتروشیمی گرفته تا صنایع غذایی در پهن دشت ایران اسلامی به دست توانمند خویش معنا بخشید و به کار گرفت. چه بسیار خواتوارها را به رفاه و آسایش رساند و حال ما آنها را به حال خود رها کرده‌ایم که گویند «رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن».

و طبیعی است که تلاش برای ضبط مدرکات به گسترش فعالیت و ورزیدگی سلول‌های مغز منجر می‌شد و به طوریکه گفته شد بر اثر این تلاش، مسائل ذهنی وسعت یافت و به تدریج زمینه را برای فاصله و جدایی بیشتر از امور عینی فراهم آورد.

با اختراع خط استراحت حافظه شروع شد و تلاش فوق‌العاده سلول‌های مغز و بافت‌های اعصاب برای درک و ضبط و پاسداری سالم و انتقال مفاهیم ذهنی کاهش یافت و قسمت اعظم این وظیفه مهم کهبه‌مرور دهوریا جذب و رسوب خاطرات به کشش و کوشش ذهن خلاق و به مدد عامل ارث از طریق نقل و انتقال صفات و خصائل مکتسبه، بشر را به درک همبستگی پدیده‌ها و ایجاد تداعی و استنتاج منطقی قادر و موفق ساخته و نفس انسانی و یا به قول ابوعلی سینا «عقل فعال» را به وجود آورده بود، به عهده عامل خارجی نوظهور یعنی «خط نویسی» محول شد.

فن نوشتن حدود ۴ هزار سال پیش از میلاد در مصر و مقارن همین تاریخ در بین‌النهرین اختراع شد و در آغاز کار در هر دو جا جنبه «تصویری» داشت.

این تصویرها خیلی زود رایج و قراردادی شدند؛ به طوری که هر کلمه توسط علامت خاصی نشان داده شده و این روشی است که هنوز در چین معمول است. به این ترتیب باید گفت ادبیات برای نخستین بار در مصر و بین‌النهرین طلوع کرد. به دلیل نشانه‌هایی که در خط هیروگلیف از کلمات سامی به چشم می‌خورد و تأثیری که این خط در خط لاتین و یونانی و انگلیسی داشته و همچنین به دلیل شباهتی که متقابلاً میان سانسکریت و یونانی و انگلیسی مخصوصاً در ارقام و اصطلاحات خانوادگی از نظر کتابت و تلفظ وجود دارد و عموماً معرف وجود ارتباط و اتصال رشته فرهنگی بین هند و حاشیه مدیترانه و قاره اروپاست، گفته می‌شود که سابقه ادبیات در این کشورها کمتر از مصر و بین‌النهرین نیست، ولی این نشانه‌ها مربوط به قرون متاخر است و هیچ دلیلی وجود ندارد که به استناد آن گفته شود مقارن روزگاری که مصر و بین‌النهرین از فن خط نویسی اطلاع داشته‌اند، اروپاییان نیز از این فن مطلع بوده‌اند. در اینجا اشاره به یک نکته مهم لازم است، نکته‌ای که در توالی و تسلسل این بحث جای فراخی دارد و بدون توجه به آن نمی‌توان تجلی «فکر شاعرانه» را توجیه کرد و آن نکته مهم این است که:

در خط تصویری معمولاً اشکال با کلمات جانشین پدیده‌های مادی هستند نه معرف مفاهیم کلی و معانی مجرد؛ بدین معنی که با به کار بردن خط تصویری، بشر می‌توانست مفهوم خانه و کوه و درخت و سنگ و امثالهم را دریابد و برمصداق خارجی آنها منطبق کند و ظاهراً چنین وسیله‌ای برای بیان مفاهیم مجرد که قرن‌ها پیش از اختراع خط و پس از اختراع «اسم عام» در بشر به